

تریت فرزند باهوش

دکتر حسنعلی میرزاییگی

دکتر سیده احمدیان

سرمشناسه	◉	میرزاییگی حسنعلی / ۱۳۴۰	:
عنوان و نام پدیدآور	◆	بتریت فرزند باهوش / حسنعلی میرزاییگی، سپیده احمدیان	:
مشخصات نشر	■	تهران: آواستن، ۱۳۸۷	:
مشخصات ظاهری	□	۱۵۸ ص: جدول: ۵/۲۱×۱۴/۵ س.م.	:
شابک	◉	978-600-6848-49-5	:
وضعیت فهرست نویسی	◆	فیا	:
یادداشت	■	کتابنامه: ص. ۱۵۸.	:
موضوع	□	کودکان - سرپرستی	:
موضوع		Child rearing	:
موضوع		Domestic education	:
موضوع		کودکان - روان شناسی	:
موضوع		Child psychology	:
شابک	◉	احمدیان، سپیده ۱۳۶۰	:
پنویس	◆	۱۳۹۷۷۶۹HQ / ۴۹۱۳۹۷۷۶۹HQ	:
زده	■	۶۴۹/۱	:
شماره کتب ناسی ملی	□	۵۳۵۲۷۴۷	:



نام کتاب	◉	بتریت فرزند باهوش	:
مؤلفان	◆	حسنعلی میرزاییگی / سپیده احمدیان	:
ویراستار	◆	شهره نیک نیا	:
شابک	■	978-600-6848-49-5	:
ناشر	◆	آواستن	:
چاپ / صحافی	◆	فرشیوه / روشنگ	:
نوبت چاپ	◉	اول / ۱۳۹۷	:
تیراژ	◆	۱۰۰۰ نسخه	:
قیمت	◆	۱۶۰۰۰ تومان	:
سایت/همراه/مؤلف		۰۹۱۲۲۳۳۴۵۲۰ / www.drmirzabeyki	:
		۰۹۱۲۷۲۴۵۷۹۷	:
		@hasanalimirzabeyki	:
		mail_avamatn@yahoo.com	:
		۶۶۹۶۴۱۶۶	:
تلفن و ایمیل ناشر			:

فهرست

۷	مقدمه.....
۱۱	هوش چیست؟.....
۱۲	قانون‌هایی که باید بدانید.....
۱۹	راه‌های افزایش هوش.....
۳۹	بازی بازی بازی.....
۴۰	فرمان‌بری، اطاعت محض.....
۴۲	شوخی طبیعی، خندیدن و تشویق.....
۵۰	نقش بازی در آموزش کودکان.....
۵۲	اثرات محیط و خانواده بر هوش.....
۵۳	خانواده و کودکان باهوش.....
۵۴	آسیب‌ها.....
۶۲	پربارسازی‌هایی که خیلی مهم هستند.....
۶۳	پربار سازی از طریق هنر.....
۷۳	خصوصیات و ویژگی‌های افراد خلاق.....
۸۱	هشت راه مورد استفاده‌ی خلاقان.....
۹۹	جدول بهره هوش.....
۱۴۷	جهت آگاهی و آنچه باید انجام دهید.....
۱۵۱	پیشنهادهای برای نقش تغذیه در یادگیری حافظه.....
۱۵۷	ضمیمه، جدول نمره - بهره هوشی.....
۱۵۸	منابع.....

مقدمه

سالیان درازی است که این مسئله ذهنم را درگیر کرده است که چرا وقتی بعضیها به بالاترین قله‌ی علم و معرفت و اندیشه می‌رسند و آنقدر ارزشمند می‌شوند که تمام لحظه‌ها و تمام تار و پود وجودشان برای جامعه بشریت مثل خورشیدی می‌شود و باید بر گیاهان بتابند و چون چشمه‌ای جوشان هزاران موجود زنده سیراب نمایند، طوریکه نبود آنها ضایعه‌ای جبران ناپذیر باشد. از طرفی هستند کسانی که بود و نبود آنها هیچ تاثیری بر جامعه نمی‌گذارد و اصلاً ذره‌ای برای جامعه ارزش ندارند و از آن بدتر انسان‌های هستند که نه تنها موثر نیستند بلکه آفتی برای جامعه می‌شوند و مزاحم نفس از ظلم و ستم خویش به ستوه می‌آورند و زندگی را به کام آنها تلخ می‌نمایند. به راستی مگر خداوند از خلقت انسان‌هایش به عنوان اشرف مخلوقات یاد نکرده است و بارها بار عنوان "قتبارک الله" برای خلقت او یاد نشده است؟ پس این همه عزت و دقت به چه چیزی بستگی دارد؟ این انسان چگونه و توسط چه کسی پرورش و تربیت یافته است که بهترین خلقت خداوند را دستکاری می‌کند و این نهال را اینگونه پرورش می‌دهد که میوه‌اش جز ذلت و خفت و خواری نمی‌شود. به بیان ساده‌تر، این که چرا بعضی از کودکان می‌توانند خوب بفهمند، بخوانند، بنویسند و درک کنند اما بعضیها به زور هم کلماتی را درک نمی‌کنند و به راستی چه تفاوتی است بین دریچه ورودی مغز این کودکان.

وقتی به علم روان‌شناسی مراجعه می‌شود به تفاوت‌های فردی آنها، کروموزم و وراثت اشاره می‌شود. برخی هم آن را حاصل محیط و گروهی دیگر این تفاوت‌ها را حاصل شالوده‌ای از محیط و وراثت و زمان می‌دانند. اما وقتی پای تجربه و پژوهش و تحقیق به میان می‌آید، انسان می‌تواند درک بیشتری نسبت به خلقت زیبای انسان پیدا کند. چرا که وقتی مشاهده می‌شود، کشور، شهر، خیابان یا حتی منزل محل تولد یک کودک می‌توانند کاملاً رفتار او را تحت الشعاع قرار دهند، پی می‌بریم پیچیدگی تعلیم و تربیت تا کجا عمق پیدا می‌کند. شاید به همین دلیل است

که اکثر خانواده‌ها در جستجوی بهترین مدرسه با بهترین معلم‌ها می‌باشند. با کمی مطالعه تاریخ متوجه می‌شویم امرا و پادشاهان قدیم هم برای فرزندان خود بهترین معلم و بهترین مدرسه را انتخاب می‌کرده‌اند، فراتر از آن امروزه در کشورهای مختلف سیاستمداران و متولیان علم، سرمایه‌گذاری‌های عجیب و زیادی روی کودکان انجام می‌کنند تا کشوری توانا و مقتدر و پیشرفته داشته باشند. همه‌ی این تفاسیر نکته‌ای را مشخص می‌کند که اگر تمام عوامل دست‌به‌دست هم بدهند، می‌تواند یک انسان را از آن چه هست به آن چه می‌تواند باشد تبدیل کنند. پس با آموزش صحیح و تربیت استاندارد، می‌توان یک کودک را به اوج خود شکوفایی رسانید. وظیفه آموزش و تربیت صحیح به مثلی شباهت دارد که یک ضلع آن خانواده، یک ضلع جامعه و یک ضلع دیگر آن مدرسه است و به جرأت می‌توان گفت که ضلع مهم و پایه‌گذار و آن خانواده می‌باشد که تاثیر صد در صد بر جامعه خواهد گذاشت و اگر هر سه‌ی این اضلاع درست به صحیح برخورد نمایند می‌توانند به هدفشان که همان پویایی و تربیت فرزندانی با حسن ادب باشند. ولی تجربه به خوبی ثابت کرده است که اگر محیط آموزش و جامعه به ندرت به ندرت احسن کار خود را انجام دهند، خانواده می‌تواند تاثیر بیشتری روی کارکرد جامعه داشته باشد و به نوعی زحمات جامعه را قوی یا ضعیف نماید. ولی اگر تربیت در خانواده بسیار اصلاحی و اساسی شکل بگیرد، محیط بیرونی آن چنان نمی‌تواند تاثیر گذار باشد. همچنین که در جامعه مشاهده می‌کنیم علیرغم هجوم فضای مجازی و دوستان ناباب و محتاط‌ها، باز یک فرد سالم و مؤثر از آن بیرون می‌آید چرا که ریشه‌ی تربیتی این شخص بسیار استوار و مقاوم پی‌ریزی و ساخته شده‌است. توجه به نقش خانواده می‌تواند بسیار مهم و تاثیرگذار باشد و باید ما خانواده را آموزش دهیم تا خروجی آن سالم و بدون نقص باشد و از بین صدها عامل خروجی نقش خانواده اثرگذارتر باشد. یکی از موارد بسیار مهم که خانواده نقش مهمی در آن دارد تقویت هوش فرزندان می‌باشد حال باید پرسید درباره هوش چه می‌دانید؟ بالاخره کدام نظریه‌ها برای شما قابل پذیرش‌تر است؟ آیا هوش و استعداد فرزندان از پدر و مادر و یا اجداد به او به ارث می‌رسد و

کسی نمی‌تواند آن را تغییر دهد؟ و یا این که محیط می‌تواند تغییر و تحولاتی در ذهن ایجاد کند و هوش و استعداد را بارور سازد؟ شما چه می‌گویید؟ طرفدار کدام یک از نظریه‌ها هستید، وراثت یا محیط؟ شما که پدر و مادر هستید، چه کاری از دستان برمی‌آید؟ اگر فرزندی باهوش بالاتری دارید باید میلیون‌ها بار بگویید: نکن! نکن! یا اگر هوش و استعداد کمتری دارد، باید میلیون‌ها بار هم بگویید: بخوان بخوان؟

شاید آن حوزه یادگیری، بسیار امیدوارکننده نظر می‌دهند و در پاسخ به سوالات شما جواب‌های بسیار ارزنده‌ای دارند؛ در صورتی که شما با تدبیر و تخصص مطلوب برای پرورش فرزند خود اقدام کنید، البته نه پرورش دیروزی که فقط در جسم خلاصه می‌شد. در این روزگار شواهد بسیار متعددی در دست است که، بهترین زمان آموختن و یادگیری انواع دانش‌ها و دانستنی‌ها و تحریک توانایی‌های اساسی در کودک، همان دوران سه سال اول زندگی می‌باشد.^۱ در حقیقت، پدران و مادران مهم‌ترین، بهترین و ضعیف‌ترین معلمان هستند که فرزندان در طول عمر، هرگز چنین معلمی را نخواهند داشت.

پرورش نابغه، سرآمد، تیرهوش و باهوش و... بستگی به روش تربیت شما دارد که چگونه آموزش دهید، «دکتر جرج بیدل» متخصص زنیکی می‌گوید: ما در روش آموزشی فرصت موجود، فرصت‌های مناسب زیادی را به پرورش کودک از دست می‌دهیم و حساس‌ترین زمان رشد کودک از نظر دور می‌ماند و این نکته قابل توجه است که برخی از افراد فکر می‌کنند اگر سال‌های اول رشد کودک، بتواند او را به یک مرکز آموزشی ببرند و در انواع و اقسام کلاس‌های آموزشی خسته‌کننده شرکت کند و بخواند و بنویسد، این کودک با استعداد می‌شود! نه! هرگز چنین نیست! بلکه باید او را تشویق نمایند آن‌چه را که دوست دارد، یاد بگیرد. مغز کودک ظرف که

۱. جان بک، ترجمه: ع. شقایق.

نیست که آن را پر از اطلاعات بی‌ثمر کنیم! این کار باعث می‌شود رشد فکری فرزند شما محدود گردد.

آن پدر و مادرانی که دوست دارند فرزندشان هرچه آنها می‌گویند بیاموزد، آرام و ساکت باشد، اذیت نکند، داد و فریاد نزند، جنب و جوش نداشته باشد، در مهمانی‌ها ساکت باشد و چیزی نخورد، در پارک مطیع آن‌ها باشد، در حقیقت همه این‌ها دیواره‌ای است که استعداد را در آن حبس می‌کنند.

دکتر ژوزف مک‌هانت^۱ یکی از روان‌شناسان برجسته دنیا می‌گوید: هرگونه جلوگیری و ممانعت از نیاز و خواسته‌های کودک، ضربه‌ی محکمی است که به استعداد او می‌زند. برای کودک اهانت بزرگی است که در کارها و حتی بازی‌های کودکانه‌ی او دخالت کنیم و به احساسات کودکانه او را بگیریم. در حقیقت، این لطمه‌ی بزرگی به هوش او می‌زند. مانع از رشد استعداد و دریافت تجربیاتش خواهد بود و در آینده نتایج بسیار خرابی به بار می‌آورد. رشد هوش و ادراک کودک در موفقیت او به هنگام مدرسه تأثیر به‌ریبی دارد؛ اگر آنها موقعیت‌هایی را قبل از مدرسه برای لمس کردن، بازی، تعامل^۱ دیگران داشته باشند. مثلاً اگر در یک خانواده، پدر و مادر و سایرین با کودک زیاد حرف بزنند، او گفت و گو کنند، این رویکرد باعث افزایش دایره لغات او می‌شود و او راحت‌تر کلمات را ادا می‌کند، جمله می‌سازد و انشای خوب می‌نویسد، تجزیه و تحلیل می‌کند و در حقیقت شروع بیان افکار او خواهد بود. ولی هیچ‌کس توجهی به این امر ندارد. بیشتر تأکید بر ساکت بودن کودک است.

اکنون متولیان تعلیم و تربیت به این نتیجه رسیده‌اند که، غلبه کردن به تحریکات محیطی در سال‌های اولیه رشد کودک، تبعات بسیار سنگین و مشکلی را بر کودک داشته است. به درستی معلوم شده است که میزان هوش و استعداد آن

^۱ به نقل از جان بک، ترجمه ع شقایق.

دسته از کودکانی که در منزل با آن‌ها کار شده، به مراتب بیشتر از دیگران بوده است. بیشترین و ثابت‌ترین بهره‌ای که کودک از افزایش هوش و استعداد خود دارد، مربوط به مادرانی است که در مورد مسائل عمومی با فرزندانشان صحبت می‌کنند و به گفت و گو می‌پردازند. این جمله‌ی پرمغز دانشمندان را در نظر داشته باشید که: خانواده موثرترین و ارزان‌ترین مرکز پرورش و رشد کودک است و بدون همکاری والدین، راه دیگری به این ارزشمندی وجود ندارد. اگر شما همه تکنیک‌های جدید ام‌ریس را بیاموزید هوش و استعداد فرزند خود را از حد متوسط بالا برده‌اید و کودک زبرک باهوش، تحویل جامعه داده‌اید و شانس ارتقای هوش و استعداد فرزند خود را بیشتر کرده‌اید.

هوش چیست؟^۱

عموم مردم و بسیاری از متخصصان، تصوراتی غیر واقعی نسبت به هوش دارند و فکر می‌کنند افراد هوش خود را از پدر و مادر به ارث می‌برند و این هوش ثابت است و توانایی ذاتی شخص را نشان می‌دهد، در صورتی که این تصورات هرگز صحیح نیست.

ضریب و نمره هوشی توانایی ذاتی یا وراثتی فرد را تعیین نمی‌کند و این نمره تحت تاثیر میزان آشنایی فرد با توجه به مهارت‌ها و اطلاعات و تجربیات اوست که در طول زمان به دست آورده است. اگر فرد در طول زمان در خانواده یا جامعه‌ای زندگی کرده باشد که بیشتر درگیر کلمات، واژگان، بازی‌ها و اطلاعات عمومی بوده، در حافظه‌اش مطالب بیشتری شکل می‌گیرد.

^۱پاول هنری ماسن، ترجمه مهشید یاسایی، رشد و شخصیت کودک.